

به نام خدای مهربان



۸ تا ۳
سال



ماجراهای بلوئی



بابای پرستار

عنوان و نام پدیدآور: بابای پرستار / [نویسنده] انتشارات [پنگوئن]
یانگ ریدرز؛ براساس کتابی از انتشارات پافین؛ ترجمه‌ی مهتاب یعقوبی.
مشخصات نشر: تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر، کتاب‌های قاصدک، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۲۴ ص. : مصور (رنگی).
فروست: ماجراهای بلوئی؛ ۶.
شابک: دوره ۲-۵۴۹۲-۲۳۷-۶۲۲-۹۷۸ : ۷-۵۴۴۴-۲۳۷-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر ترجمه بخشی از کتاب "Bluey" است.
یادداشت: مخاطب: ۵+
موضوع: شخصیت‌های کارتونی -- داستان
Comic strip character -- Fiction
سگ‌ها -- داستان Fiction
شناسه افزوده: یعقوبی، مهتاب، ۱۳۵۷ اردیبهشت - ، مترجم
شناسه افزوده: انتشارات پافین بوکس Puffin Books
شناسه افزوده: انتشارات پنگوئن Penguin Young Readers Group
رده بندی دیویی: ۷۴۱/۵
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۰۱۲۴۴۸

ترجمه‌ی مهتاب یعقوبی

ویراستار: مزگان کلهر

مدیر هنری: فریدون حقیقی

طراحی جلد و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پاراگراف

زیر نظر گروه برنامه‌ریزی انتشارات ذکر

لیتوگرافی: مهر ● کد: ۴/۱۳۴۷

چاپ اول: ۱۴۰۴ ● تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

شابک: ۷-۵۴۴۴-۲۳۷-۶۲۲-۹۷۸

شابک دوره: ۲-۵۴۹۲-۲۳۷-۶۲۲-۹۷۸

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای انتشارات ذکر محفوظ است. هیچ شخص حقیقی و حقوقی، حق چاپ و تکثیر این اثر را به هر شکل ندارد. به موجب بند ۵ ماده ق.ج.ن

واحدکودک
مؤسسه‌ی نشر و
تحقیقات ذکر

ناشر پیشرو در انتشار
کتاب‌های مناسب برای
پیش‌دبستانی‌ها و دبستانی‌ها

قاصدک
کودک

دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، خیابان محتشم، شماری ۲۰، طبقه‌ی همکف، واحد ۲
تلفن: ۶۶۴۱۰۰۴۱ (خط ۵) ghasadakbooks.ir @ghasedakbooks @ghasedak_teen_books @ghasedakbooks

مامان امشب می‌خواهد به مهمانی مامان‌های نی‌نی‌دار برود.
اما بلویی دوست ندارد مامانش برود، چون موقع خواب کنارش نیست.
مامان می‌گوید: «حتماً برای بوس قبل از خواب برمی‌گردم.»
بلویی با ناراحتی می‌گوید: «اما فکر نمی‌کنم برگردی.»



مامان می‌گوید: «قول می‌دهم!»
بینگو می‌گوید: «چه کسی ما را می‌خواهاند؟»
مامان می‌گوید: «بابا! او از شما مراقبت می‌کند.»



هورا بی‌هورا!!



همین که مامان می‌رود، بلویی دلش برای او تنگ می‌شود.
بابا پیشنهاد می‌کند: «چطور است با هم بازی کنیم تا حواستان
پرت شود؟»
بینگو فریاد می‌زند: «بیایید دنبال کن بازی کنیم.»



بلویی، بینگو و بابا به خانه برمی‌گردند تا بازی کنند.
بابا مثل فرمانده با صدای بلند می‌گوید: «بسیار خُب، من فرماندهی گروه
هستم و به شما دستور می‌دهم دنبالم بیایید. فهمیدید چه گفتم؟»
بلویی و بینگو هم صدا می‌گویند: «بله، فرمانده!»

